

دیوان حضرت

عروس ایران، اصفهان که گل سرخ و نغمه بلبل آن «پیرلوتی»

را بدامان خود کشانید امروز نیز گلرخ سیه چشمش هر صاحب‌دلی
را بظرف خود میخواند

اگر عشق و مستی میخواهی باصفهان رو. اگر جمال و زیبایی میپرسی
باصفهان رو. اگر برآنی که از جام لاله، شبنم عشق بنوشی و از طره سنبل
عطر آشنایی بیویی و از شکر خنده گل سکر و نشأمل بجوئی راه اصفهان پوی.
نسیم بامدادی عطر میپاشد و ابر بهاری چهره نسترن و نسرین میآراید. آن گل
سرخ طنازی که «پیرلوتی» را از بهشت غرب یعنی «پاریس» بعروس شرق یعنی
«اصفهان» کشانید با غمزه و ناز و خنده دلنواز، هر صاحب‌دلی را باصفهان میکشاند
و در آغوش جانان مینشاند.

زاینده رود زیبا که با یکدنیا کبر و ناز از کنار این سبزه بکنار آن سبزه
میگریزد و از آغوش این سنگ باغوش آن سنگ میناطد همه را بکرانه خود
میخواند. هزارستان با هزار زبان از فصل گل و مستی اصفهان داستان ها
میسراید و صاحبان ذوق و قریحه را بدامان خود میخواند. درختانی که تاج
شکوفه بر سر نهاده و از فرق تا بقدم غرق در زیبایی و جمال گردیده از جنبش
نسیم دررقصند و سبزه دست و رو شسته که سر تا پا را با ژاله و شبنم بیالوده، سر
از پا نمیستاند.

ناز که بدل و دین هر صاحب نظری چشم طمع دوخته و جان و ایمان هراهل دلی را بیغما میبرند در کنار سبزه و در آغوش گل و در سبزه برقص و نشاط برخاسته و غریو هلهله و شادی با آسمان میفرستند این اصفهان که با همه کهنگی و فرسودگی همیشه زنده و تازه است و چون می‌کهنه همواره بر اثر گرائی‌اش افزوده میشود بسان برلمانی در سینه ایران میدرخشد و چشم اهل ذوق و اهل معنی را بطرف خود خیره میسازد. این شهر پریان که از عظمت و جلال پادشاهان ساجوقی و صفوی خاطرات شیرین و گرانبهایی در درون دارد و چون خزینه زندگی آثار باشکوه و پراجهت شاه عباس را در دل نگاهداری میکند هر روز از روز دیگر جوان تر میشود و هر سال از سال قبل دلربا تر میگردد.

سحر گاهان که نسیم لطف طره زلف را به بازی میگیرد یاد بوها و راز و نیازها و خاطرات عاشقانه قصر عالی قاپو، را بگوش دل فرو میخواند و شامگاهان که آفتاب، گنبد های مساجد بزرگ و باشکوه آنها چون فیروزه درخشانی در دل آسمان جلوه گرمیکند عظمت و ابهت ایران صفوی را در خاطر زنده میسازد.

چهل ستون زیبا که پیوسته چون خلوتکه عشق و محرمخانه راز دلدادگان و دلشدگان دربار صفوی را در زوایای تاریک و دور از نظر خود جای میداد که با فراغت و آرامش بدلبری و عشقبازی پردازند امروز نیز با سکوت مبهم و عمیق خود از آن رازها پرده بر میگیرد و از معاشقه های دختران و پسران سرخوش و سرمست داستاها میسراید. این قصر عالی و بزرگ بسا سکوت و ابهام آمیز خود بسا هزار زبان سخن میراند و از جشن های بزرگ و عالی و مراسم شاهانه ای که شاهد و ناظر آن بوده حکایت ها میگوید .

اگر ساعت ها در مقابل آن بایستی دل از تماشای جمال و جلال آن سیری نمیگیرد. و چشم از ریزه کاری ها و هنرنمائیهاییکه در آن صورت گرفته خسته نمیشود، این قصر که یکی از زیباترین و باشکوه ترین آثار

در سال پنجم سلطنت شاه عباس ثانی در حدود سال ۱۰۵۷ هجری قمری بنا بر فرمان آن شاه ساخته شد و از آن رو آنرا چهلمستون مینامند که بیست ستون جلوی عمارت در استخری منعکس میگردد و در نتیجه در نظر بیننده چهلمستون جلوه گر میگردد.

تالار بزرگ آن از گچ بریهای ممتاز لاجوردی و طلاکاری مزین است و تمام بدنه آن از سنگ مرمر میناکاری پوشیده شده و در قسمت بالا صورت های مختلف عشاق که غالباً در حال رقص و تروتم هستند نظر هراهل دلی را بطرف خود جلب میکند. شش تابلوی بزرگ نقاشی که مراسم مهمانیهای شاهانه شاه طهماسب اول و جنگ شاه عباس کبیر با ازبک ها و محاربات نادر شاه در هند را نشان میدهند، زیب و زیور این قصر باشکوه قرار گرفته است.

میگویند تاجگذاری شاه عباس ثانی در این تالار صورت گرفته و این قصر پیوسته مخصوص سلام بوده و تخت مرصع سلاطین صفویه در این اطاق قرار داشته است.

اگر از دیدار این قصر عالی دل برکنده و بمیدان شاه امروز بروید دیگر در مقابل هنر و ذوق و قریحه هنرمندان ایرانی بزانو درمیآید... عمارت عالی قاپو که باصطلاح دیوانخانه و دربار و محل پذیرائیهای رسمی شاهان صفوی بشمار میرفت، امروز نیز از سالن های متعدد و زوایای تاریک خود نمته های دلکش موسیقی و نواهای دلانگیز دف و کمانچه هنرمندانی که در حال مستی و بیخودی در آن سروده بودند بگوش هوش میرساند و در دل بیننده خاطرات شیرین و مهم گذشته را از نو زنده میسازد.

مسجد شاه و مسجد شیخ لطفاله که از نظر کاشیکاری و ظرافت در تمام دنیا ثانی ندارد چون پرده های مینیاتور و یا قلمزنی های ظریف و دقیق از هر گوشه و کنار نقش و نگار تازه ای در مقابل چشم میگسترد و دل و جان رادر شغف و مسرت میافکند. این دو معجزه هنری که هر یک در گوشه ای از میدان شاه قریحه بلند و ذوق سرشار ایرانی را برای همیشه زنده جاویدان کرده و

بوجود آمده و برای همیشه نام آن پادشاه هنر پرور را در تاریخ ایران، با ذوق و هنر مترادف کرده است. از خیابان چهار باغ و مدرسه چهار باغ اصفهان نگویید و نپرسید.

این خیابان زیبای مشجر که از زمان صفویه تا کنون باقیمانده و درختان کهنسال چنار آن با شاخه های بزرگ و پر برگ سردر آغوش هم نهاده و چنان تنگ در کنار هم افتاده اند که کوئی در آخرین لحظات وصال بسر میبرند، همیشه میعاد و وعده گاه دلدادگان جوان میباشد و در زیر شاخ و برگ این درختان، جوانان بخنده و لذت میگذرانند و قهقهه شان گوش فلک را کر میسازد و در کنار این خیابان سردر و گنبد مدرسه چهار باغ مهمترین اثر تاریخی زمان شاه سلطان حسین چون یک قطعه فیروزه درخشان از خلال درختان بزرگ روی مینماید و چون گوشواره ای در گوش سپهر میدرخشد و کسانی که شاهد برخورد اولین اشعه آفتاب و آخرین انعکاس پرتو شمس بر این سردر و گنبد بوده اند، میدانند که در این هنگام چنان زیبایی و جمال این گوی فیروزه گون دوچندان میگردد و چه اثر ملکوتی در دل و جان بجای میگذارد.

کمی دورتر، در کوی جلفا که دخترکان ترسا، با زنجیر زلف و خم کیسو، صاحب دلان را بکمند انداخته و با چشم سیاه مست و دهان شیرین پر خنده بی ریا بهمگان باده شکر میبخشند. کلیسای بزرگ با عظمتی که مولود یک عشق پاک و آسمانی است دل را از شدت مسرت در سینه مهلراند. این بنای تاریخی که در سال ۱۶۰۶ میلادی پس از آنکه بنا بتشویق شاه عباس کبیر ارامنه بکوی جلفا یا «جولاه» آمدند بهمت پطرس نامی ساخته شده و بهترین شاهکار هنر و معماری و نقاشی ارامنه آن عصر بشمار میرود.

بانی این کلیسا هنگام ایجاد آن نخست تمام نقاشان بزرگ و معروف عصر خود را برای نقاشی و تذهیب این کلیسا دعوت بکار کرد و از ایشان خواست قسمت های حساس و مهم کتاب مقدس انجیل و تورات را بصورت تابلو های نفیس و زنده در روی گچ ظاهر سازند.

دنیا محسوب میگردد.

سبك نقاشی این کلیسا از سایر نقاشیهای آثار صفویه در اصفهان متمایز است و شیوه‌ای خاص و تازه دارد و شاید نقاشان ایتالیایی در ترسیم صفحه‌های آن با نقاش‌های ارمنی همکاری داشته‌اند، این کلیسا امروز در اصفهان بنام کلیسای «خواجه پطرس» و یا «تبلهم» معروفست و محل عبادت ارمنه میباشد در مدخل کلیسا عکس خیالی خواجه پطرس که بوسیله مرحوم خاچاطوریان هنرمند معروف و بزرگ معاصر ترسیم شده نصب است.

این کلیسا که هر بیننده را مسحور جمال شاهکارهای هنری خسود میسازد، يك پارچه کمال و زیبایی است و در هر گوشه از آن يك دریا ذوق و هنر خود نمایی میکند. موزه جلفا نیز که در کنار این کلیسا قرار دارد از سال ۴۲ پیش تا کنون سیاحان را بطرف خود میکشاند يك نمونه کامل از حسن ذوق و هنر پروری ارمنه جلفا بشمار می‌آید.

کلکسیون کاملی که در این موزه جلب نظر میکند مجموعه فرمائیهاییست که از سال ۹۷۲ هجری قمری از طرف پادشاهان خطاب بارمنه جلفا صادر گردیده و در تمام این فرامین مهر و امضای سلاطین صفویه و افشاریه و زندیه و قاجاریه و پهلوی قید شده است.

حال که میخواهیم با خوانندگان عزیز شهر زیبای اصفهانرا که هر چه زیاده‌تر در آن بمانیم بیشتر دل‌بسته میشویم ترك کنیم، بکنار زاینده رود زیبا نیز سری بزنیم و این رود دیوانه را که چون زلف یار خم و شکن شکن باین طرف و آن طرف میلفزد از نزدیک تماشا کنیم. دوپل بزرگ و باشکوه یعنی سی و سه پل و پل خواجه که از آثار معماری زمان صفویه و شاه عباس میباشدند بر این رودخانه ابهت و شکوه فراوانی بخشیده و چشمه‌های آن در فصل بهار جمال خاصی دارد و در بیشه‌های اطراف زاینده رود و چشمه‌های این دو پل بزرگ که اینك عشرت‌گاه خداوندان ذوق بشمار میرود خاطرات جشن و عید «آبریزان» که سلاطین صفویه و درباریان و نندیان با لباس‌های کوتاه آنرا برپا ساخته و در آن جشن بیکدیگر آب میپاشیدند هنوز زنده و جاویدان است و هر ناظری را بی‌اختیار بیاد آن هلهله و نشاط و آن مسرت و انبساط میاندازد.